



نامه‌نگاری در ایران

شده است که اخبار نادرست و شایعات به سرعت در جامعه منتشر شوند.

راهکارهایی برای بهبود وضعیت

برای بهبود وضعیت روزنامه‌نگاری در ایران، چه کارهایی می‌توان کرد؟

اصلاح قوانین مطبوعاتی: قوانین مطبوعاتی باید به گونه‌ای اصلاح شوند که از آزادی بیان حمایت بیشتری کنند و به روزنامه‌نگاران اجازه دهند تا بدون هر گونه ترس یا خودسانسوری، به وظیفه خود عمل کنند. حمایت از رسانه‌های مستقل: دولت باید از رسانه‌های مستقل حمایت کند و به آن‌ها اجازه دهد تا بدون دخالت دولت فعالیت کنند. تقویت آموزش‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری: باید به آموزش‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری اهمیت داده شود و استانداردهای مشخصی برای ارزیابی کیفیت اخبار و گزارش‌ها تدوین شود. در زمینه ادبیات سینمایی، انجمن نویسندگان و منتقدان می‌تواند موثر باشد.

شفافیت و پاسخگویی: دولت باید شفاف و پاسخگو باشد و به پرسش‌های روزنامه‌نگاران پاسخ دهد. توسعه فرهنگ نقد و گفت‌وگو: باید فرهنگ نقد و گفت‌وگو در جامعه تقویت شود تا روزنامه‌نگاران بتوانند آزادانه به نقد و بررسی مسائل بپردازند.

در نهایت، می‌توان گفت که روزنامه‌نگاری در ایران، با وجود همه چالش‌ها، همچنان زنده و پویاست. روزنامه‌نگاران ایرانی، با وجود همه محدودیت‌ها، تلاش می‌کنند تا صدای مردم باشند و حقایق را به آن‌ها بگویند. با این حال، برای بهبود وضعیت روزنامه‌نگاری در ایران، نیاز به تلاش همه‌جانبه و همکاری همه بخش‌های جامعه است.

احسان هوشیارگر، روزنامه‌نگار:

روزنامه‌نگاران تخصصی کم داریم

حوزه روزنامه‌نگاری چالش‌های متعددی در ایران دارد. شاید بخشی مربوط به نبود روزنامه‌نگاری تخصصی بخصوص در حوزه‌های مختلف هنر از جمله تئاتر، سینما، رادیو و تلویزیون و هنرهای تجسمی می‌شود. مادر دورانی به سر می‌بریم که تعداد روزنامه‌نگاران این حوزه‌ها به صورت تخصصی کم شده و اکثر کسانی که جذب این حرفه بخصوص در حوزه هنر می‌شوند بیشتر علاقه به حواشی این حوزه دارند و زمانی که با واقعیت‌های این حرفه مواجه و سختی‌های کار را می‌بینند عملاً دل سرد شده و خیلی سریع ترجیحشان این می‌شود که حوزه‌هایی گرایش پیدا کنند که اصطلاحاً با چالش و سختی کمتری رو به رو شوند.

این موضوع باعث می‌شود در دهه اخیر دیگر مانند زمانی که ما وارد این حرفه شدیم روزنامه‌نگار تخصصی که چهره‌ای تاثیرگذار باشد نمی‌بینیم. کم‌این که همان روزنامه‌نگاران تخصصی‌ای که سراغ داشتیم امروزه رغبتی به ادامه کار ندارند و برای امرار معاش و گذران زندگی جذب شاخه‌های دیگری از جمله مشاور رسانه‌ای و روابط عمومی‌ها شده‌اند و یا حتی به خاطر سختی‌هایی که در این کار وجود دارد ترجیح داده‌اند از این حرفه خداحافظی کنند که این خود آسیبی جدی به شغل روزنامه‌نگاری زده است.

از طرفی دیگر ورود بی‌رویه مدیرانی که اطلاعات و تخصصی از این حرفه ندارند نیز روزنامه‌نگاری را با چالش و معضل بزرگی رو به رو کرده است چرا که به دلیل نداشتن اطلاعات کافی رسانه خود را وابسته به اخبار فیک فضای مجازی کرده و به این اخبار اعتبار می‌دهند.

چالش دیگری که حوزه روزنامه‌نگاری با آن مواجه هست در زمینه اقتصادی است. واقعیت این است که با تمام مخاطراتی که در این کار وجود دارد بخاطر تراکنش مالی پایین آن، روزنامه‌نگاران با اولین پیشنهاد مالی خوب بلافاصله کار خود را راه می‌کنند که همین موضوع به مشکلات دامن می‌زند و رسانه‌ها از افراد متخصص خالی و عملاً کارایی خود را از دست می‌دهند. در گذشته ما خبرنگارانی داشتیم که به دلیل برقراری ارتباط درست و اصولی با حوزه‌های کاری‌شان تبدیل به مرجع می‌شدند. مرجعیتی که از استمرار و سپس اعتبار و اعتماد بوجود می‌آمد و متأسفانه امروزه در افرادی که تازه به این حوزه ورود کرده‌اند کمتر شاهد چنین مرجعیتی هستیم و البته باید مراقب اندک افراد با استعدادی که با عشق به این حرفه به کار خود ادامه می‌دهند باشیم.

نکته آخر که به اندازه نکات بالا مهم هست مواجهه با مدیرانی است که نقد پذیر نیستند و هر نقدی را برای خود نوعی دشمنی و تخریب تفسیر و تلقی می‌کنند. در واقع این فاصله‌گذاری بخصوص از سوی مدیران فرهنگی و هنری آن‌ها را از رسانه‌های مرجع دور کرده و به سمت فیک نیوزها می‌کشاند و با رفتار عجیب و غریبی، بجای برخورد منطقی با نقدها و پاسخگویی مناسب، از طریق صفحات مجازی‌ای که وام دار روابط عمومی‌ها و مدیران هستند یا همان فیک‌نیوزها که منافعشان در تعریف و تمجید بدون فکر از همان مدیران است به منتقد پاتک می‌زنند که باعث می‌شود خیلی از نقدها شنیده نشود. و یا با تماس گرفتن با مدیران بالادستی و شکایت از منتقد موقعیت شغلی خبرنگار را متزلزل می‌کنند! تا بتوانند میز خود را حفظ کنند که این خود به تنهایی نکته درآوری در حوزه روزنامه‌نگاری است.

قانونی و خودسانسوری گرفته تا فشارهای اقتصادی و اجتماعی، بر کیفیت و کمیت تولیدات خبری تأثیر گذاشته‌اند. در این یادداشت، تلاش می‌شود تا با نگاهی واقع‌بینانه به این چالش‌ها (به‌ویژه از زاویه رسانه‌های سینمایی) پرداخته شود.

محدودیت‌های قانونی: زنجیری بر پای حقیقت

یکی از بزرگترین موانع پیش روی روزنامه‌نگاری در ایران، قوانین و مقررات دست و پاگیر است. قوانین مطبوعاتی موجود، اغلب به گونه‌ای تدوین شده‌اند که فعالیت روزنامه‌نگاران را محدود می‌کنند. این محدودیت‌ها، موجب خودسانسوری در میان روزنامه‌نگاران شده و از تنوع و عمق اخبار و گزارش‌ها کاسته است.

فشارهای اقتصادی: بحران معیشت و تهدید استقلال

فشارهای اقتصادی نیز یکی دیگر از چالش‌های مهم روزنامه‌نگاری در ایران است. بسیاری از رسانه‌های ایرانی، به دلیل مشکلات مالی و کاهش درآمدهای تبلیغاتی، با بحران روبرو هستند. روزنامه‌نگاران یا حق تالیف نمی‌گیرند، یا اگر بگیرند بسیار ناچیز است. این وضعیت، باعث شده است که روزنامه‌نگاران تحت فشار باشند تا به هر قیمتی خبر تولید کنند و به دنبال جذب مخاطب بیشتر باشند. در این شرایط، رعایت اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در اولویت قرار نمی‌گیرد و خبرهای زرد، جایگزین اخبار دقیق و موثق می‌شوند و مخاطب بیشتری را جذب خود می‌کنند.

فشارهای اجتماعی و سیاسی: خط قرمزهایی که جابجا می‌شوند

فشارهای اجتماعی و سیاسی نیز بر روزنامه‌نگاران ایرانی تأثیر گذاشته است. جامعه ایرانی، جامعه‌ای سنتی و مذهبی است و برخی از موضوع‌ها حساسیت برانگیز هستند. روزنامه‌نگاران برای پوشش این موضوعات، باید احتیاط زیادی به خرج دهند و از ترس واکنش‌های منفی، از انتشار برخی اخبار خودداری کنند.

فقدان آموزش حرفه‌ای و استانداردهای کیفی

یکی دیگر از چالش‌های مهم در حوزه روزنامه‌نگاری ایران، فقدان آموزش حرفه‌ای و استانداردهای کیفی است. بسیاری از روزنامه‌نگاران بدون گذراندن دوره‌های آموزشی تخصصی وارد این حرفه می‌شوند و این امر بر کیفیت تولیدات خبری تأثیر می‌گذارد. رشد روزافزون رسانه‌های اجتماعی نیز عامل دیگری در این زمینه شده است. همچنین، نبود استانداردهای مشخص برای ارزیابی کیفیت اخبار و گزارش‌ها، باعث

نام‌گذاری می‌کنید را ادامه دادم!

اما بعد از ۲۶ سال کار حرفه‌ای در یکی از بهترین و معتبرترین روزنامه‌های مملکت و چند سالی در هفته‌نامه و ماهنامه و گاهنامه‌های متعدد، از دو سال پیش که بازنشسته شده‌ام، به یک نتیجه مایوس کننده رسیده‌ام. از خدا که پنهان نیست از شما چه پنهان، باید اعتراف کنم؛ احساس می‌کنم کلاتوبوس را اشتباهی سوار شدم!

نمی‌خواهم بذریعاًشتم یا عزیزانی که عاشقانه در این وادی زحمت می‌کشند را ناامید کنم. اما واقعیت را باید گفت، گر چه تلخ باشد. در حرفه روزنامه‌نگاری که در حکم کارگزینی به عنوان کارشناس ارشد خبرنگاری از ما نام برده و در فیش حقوقی بسان کارگر بیمه‌ای تامین اجتماعی نگاه می‌شود ناچاریم در دوران مثلاًطلایی بازنشستگی با ده پانزده میلیون تومان مستمری اموراتمان را بگذرانیم و این معضل کوچکی نیست. در حالی که بسیاری از صاحبان مشاغل، از تکنسین برق گرفته تا حسابداری و... تازه زمان برداشت محصول از سال‌ها مداومت و مرارتشان در بازنشستگی فرامی‌رسد. نمی‌خواهم با درآمد میلیاردی یک فوتبالیست یا بازیگر و خواننده مقایسه کنم که در ذات خودش مقایسه بی‌موردی است، اما یک روزنامه‌نگار کجا می‌تواند کار بهتری پیدا کند تا چند صباح آخر عمر را بی‌تشویش ادامه دهد؟ تازه این وضعیت چون منی است که حکم استخدام داشتیم و نه قرارداد (که تنم هر سال از تعدیل نیرو بگذرد).

به این موارد اشاره کردم که بگویم گذشته از نبود رسانه‌های مستقل، آزادی در بیان، کم‌اهمیت دانستن حرفه‌ای تحت عنوان «خبرنگار» و مواردی که حتماً دوستان دیگر به آنها پرداخته و قلمفرسایی کرده‌اند؛ «امنیت شغلی» و داشتن «آینده مطمئن»، مهمترین چالش یک روزنامه‌نگار است. کاش می‌شد در این زمانه اساساً هیچ شهروندی ناچار نبود در دوران بازنشستگی هم به دنبال شندرغاز درآمد برای پر کردن چاله‌های زندگی اش باشد.

امیرعلی نصیری، منتقد و مدرس دانشگاه

روزنامه‌نگاری در ایران، همچنان زنده و پویاست

روزنامه‌نگاری در ایران، همچون بسیاری از عرصه‌های دیگر، با چالش‌های جدی و متعددی روبرو است. این چالش‌ها، از محدودیت‌های